

تأثیر مادر در تکامل جسمانی و روحانی بچه

دکترم آذای ح . کاظم زاده ابرانشهر

مدیر محترم مجله ابرانشهر

تأثیر و نفوذ مادر در تربیت اطفال و حتی در مقدرات فرزندانش خود بیش از آن است که در ظاهر بنظر می آید. ملل و اقوام قدیمه و حتی طوایف وحشی و نیم متمدن نیز بقی به اهمیت این تأثیر و نفوذ برده بودند و باره تأثیر هم برای استحکام تأثیرات خوب و دفع تأثیرات بد بکار میبردند. لیکن در این عصر جدید به نسبت کشفیات بزرگ در علوم مادی و روحی و از روی تجربیاتیکه در فن معرفت النفس و تدای روحی و فن تلقین بنفس و فن تکامل جنین و قانون توارث قوای جسمانی و روحی بعمل آمده به اندازه ای تأثیر و نفوذ مادر در تکامل بدنی و اخلاقی و روحی بچه در نظر علما و دانشمندان ثابت و روشن شده است که این حقیقت را یکی از مهمترین کشفیات عصر حاضر می شمارند. این کشفیات از یک طرف ارکان علوم و فنون را متوازن کرده و از طرف دیگر دایره معلومات بشر را بسیار وسعت داده آنها را بر پایه های محکمتری استوار می سازد. تأثیر و نفوذ مادر را در تربیت و زندگی اولاد از دو نقطه نظر میتوان تدقیق کرد یکی از نظر تشکیل و پرورش قوای بدنی و صحت مزاجی بچه و دیگری از نقطه نظر نفوذ در اخلاق و معنویات و روحیات بچه. هر يك از این دو نفوذ بجای خود بسیار مهم و شایسته تدقیق و تفکر است ولی چون روح و بدن و معنویات و مادیات در هم دیگر نفوذ و تأثیر متقابل دارند زیرا که می بینیم صحت و قوت بدن در اخلاق و روحیات و معنویات مرد تأثیر میکند و هم چنین حالات روحیه و اخلاق جامعه و معنویات خانواده نیز در صحت مزاج و تکامل بدنی مرد دخالت و نفوذ کلی دارند از این جهت بسیار سخت است تشخیص اینکه آیا نفوذ مادر در تکامل جسمی بچه بیشتر است و یا در تکامل اخلاقی و روحی او. در این زمینه علمای فن تربیت و روحیات عقاید مختلف اظهار کرده و هر فرقه مدارك و دلایل بیشتر برای اثبات عقیده خود جمع آوری نموده اند. غرض من درین مقاله شرح دادن این موضوع نیست زیرا که تا یکدرجه متفکر بن ایران از حقایق این مسئله

آنگاه بود و اطلاعاتی در این مبحث دارند. با کمی تحقیق و تفحص میتوان فهمید که نفوذ معنوی مادر بیشتر از نفوذ و تأثیر جسمانی اوست زیرا که اساساً قدرت خالقۀ روح بوسیلهٔ قوۀ وهم و اراده و فکر و غیره بمراتب بالاتر و شدیدتر از قوای مادی و جسمانی است؛ چونکه روح قوۀ است و جسم ماده و همیشه ماده در تحت نفوذ و غلبۀ قوه است نه برعکس. باین روح اصل است و جسم فرع روح آموخته است و جسم مأمور روح را کب است و جسم مر کوب و روح صانع است و جسم آلت صنع او

این حقیقت را باندک تعمیق نظر در زندگانی افراد و جامعه ها میتوان درک کرد و احتیاج بدلیل و برهان ندارد از این جهت نفوذ مادر در تحکیم قوای روحی و در معنوبات ارلاد بالاتر از دایرۀ تصور است چنانکه برخی از بزرگان دنیا مقام بلند و افکار عالی و فضایل اخلاقی و نفوذ معنوی و قدرت روحانی خودشان را مدیون تربیت و نفوذ روحی مادران خود بوده اند

لیکن چنانکه گفتیم مقصود من در اینجا بسط مقال درین قسمت از موضوع تأثیر و نفوذ مادر نیست بلکه من میخواهم یک گوشۀ دیگری از این مبحث را در نظر خوانندگان روشن کنم و میخواهم خاطر ایشانرا بیک نقطه نازۀ معطوف سازم که در آن زمینه در خود ممالک اروپا تازه شروع به کنجکوی کرده اند و بگمانم در زبان فارسی هنوز چیزی در آفتاب نگاشته نشده است. این موضوع جدید و مهم عبارت است از نفوذ مادر در حیات بچه از روز انعقاد نطفه تا روز تولد یعنی تأثیریکه مادر قبل از تولد بچه در مدت حاملگی قهراً بعمل میآورد

همه میدانیم که تکامل نطفه در عرض نه ماه در رحم مادر فقط بوسیلهٔ خون مادر است. خون اساساً یک ماده مهمی است که نه تنها در تشکیل و پرورش دادن اجزا و اعضای مادی بدن کارگر میباشد بلکه در چگونگی تمایلات روحی و مبانی اخلاقی نیز بسیار مؤثر است علمای جدید ثابت کرده اند که نه تنها انواع ناخوشی ها و کیفیات جسمانی بوسیلهٔ خون تواریت میباید بلکه خون واسطه انتقال صفات و استعدادات اخلاقی و روحی نیز میباشد. اینکه حکمای قدیم خون را عین روح تصور میکردند چندین دور از حکمت و عقیدۀ بی مغز نبوده است چونکه قدرت و نفوذ خون را در اساس

زندگی بشر بصراحت میدیدند لیکن امروز ما میدانیم که روح يك جوهر بسيط و مجرد تغییر ناپذیری است و خون يك ماده مبرک و قابل تغییر و انفعال و لهذا نمی تواند قائم مقام و یاعین روح باشد. اما این حقیقت از اهمیت خون نمیگاهد زیرا که خون مهمترین آلت کار و واسطه اجرای نفوذ روح است در بدن چنانکه اگر مقدار زیادی خون از بدن خارج شود و یا خون فاسد گردد روح دیگر نمیتواند کار کند و بدن را نمیتواند زنده نگاهدارد پس از پی بردن به اهمیت خون اینرا هم باید بدانیم که نه تنها غذاهائیکه مادر میخورد در ترکیب خون و در تشکیل اعضای بدن بچه که در رحم اوست اهمیت دارد بلکه احساسها و هیجانها و تأثیرها و افکار و خیالات مادر نیز در کیفیت ترکیب و خواص خون خود و خون بچه نفوذ و تأثیر بزرگ مینماید آورد. بنا بر این از روز انعقاد نطفه در رحم مادر تأثیر و جوهر همه حرکات و

سکنتات و احساسات و تأثیراتیکه بوسیله حواس پنجگانه و قوای فکری و روحی بدن و دماغ مادر از خارج جویا از داخل مستولی میشود در هماندم بوسیله خون بدن بچه انتقال می یابد و در تشکیل جسمانی و تکامل روحی و اخلاقی بچه اجرای نفوذ میکند چونکه بچه تا روز ولادت جسماً و روحاً جز وی از اجزای جسم و روح مادر است.

ازین رو نه تنها آن چیزهائیکه مادر میخورد بلکه تمام آن حرفها که میشنود و یا میزند و همه آنچهها که می بیند و تماس میکند و یا به شامه اش میرسد و یا می بوید و همه آن چیزها که فکر و آرزو و اراده و تصور و تخیل و تخطار میکند لاینقطع بدن مادی و قوای روحی بچه را که در رحم روز بروز تشکل پیدا میکند زیر نفوذ خود میگیرند و مهر و یاداغ تأثیرات خود را بدان میزنند. ازین حیث میتوان گفت که بچه نه تنها جگر باره مادر بلکه هم چنین روحپاره اوست.

حالا اگر اعمال و حرکات و خوراکیها و حرفها و تماسها و خیالات و افکار و آرزوها و تصورات مادر در عرض مدت حاملگی همه مثبت و شادی بخش و سودمند و بالک و قوی و روحانی باشد تأثیر آنها در صحت جسمانی و لطافت روحانی بچه همانند بچه خوب و مفید و مثبت خواهد شد و اگر زن گانی مادر برخلاف اینها باشد نتیجه آنها در حیات بچه معکوس و ممشوم و وخیم خواهد گشت.

از اینجا میتوان فهمید که وضع زندگی مادر در مدت حاملگی تا چه اندازه دخیل و موثر در حیات و مقدرات بچه میباشد و مادر چه مسئولیت بزرگی در تهیه سعادت اولاد خود در عهده دارد و هم چنین نادانی مادر وی اطلاعاتی او ازین حقایق که من فقط اشاره مختصری بدان کردم چه پایه بدبختی برای بچه خود می تواند بار آورد. علما از روی تجربه ثابت کرده اند که از میان انعکاسات و تأثیراتی که بوسیله حواس پنجگانه هر روز و هر ساعت در بدن مادر حاصل میشوند تأثیر قوه باصره یعنی آن چیزهایی که ما در هر روز می بیند بیشتر و قویتر از تأثیرات حواس دیگر است. علمای طب مثالهای حیرت انگیزی از تأثیر انعکاسات قوه باصره مادر در ترکیب اعضای جنین ذکر کرده اند که عظمت قدرت و نفوذ این قوه را در تشکیل و تغییر اعضای بدن بچه بخوبی ثابت میکنند. مثلاً تجربه مشاهده کرده اند که اگر يك مادر در عرض مدت حاملگی از دیدن يك عضو ناقص و یا زخمی در بدن يك شخص دفعه تکان بخورد و نفرت و اکراه و اشمئزاز شدیدی در خود احساس نماید در نتیجه این تأثیر قوی و منفی همان عضو در بدن بچه او نیز ناقص و معیوب بوجود خواهد آمد. از روی این تجربه باین نکته پی برده اند که اکثر معایب و نواقص عضوی و تشکیلات غیر طبیعی که گاهی در بدن بعضی بچهها حاصل میشود منشاء آنها این گونه تأثیرات ناگهانی و شدید مادر در مدت حاملگی میباشد.

واز میان قوای باطنی و روحی انسان مانند قوه فکر و اراده و تخیل و حافظه و غیره قوه تخیل و توهم مادر در تشکیل و تغییر جسمانی و تناس و تکامل وضع و شدت قوای روحی بچه بیش از سایر قوای باطنی نفوذ و تأثیر می بخشد.

این خود يك موضوع مهم بزرگ و مخصوصی است که محتاج به نوشتن مقاله های جداگانه میباشد ولی در هر حال صحت این عقیده از روی تجربه های فراوان کاملاً ثابت شده است و در نظر هر شخص مدقق که تظاهرات زندگی آنی خود و یا دیگران را غوررسی و تحقیق کند جای شبهه باقی نمی ماند.

از روی این حقایق فنی که روز بروز بوسیله تجربه های تازه و بسیار دامنه آنها وسعت پیدا میکند بالاخره این نتیجه گرفته میشود که برای اینکه بتوانیم صحت

جسمانی و روحانی و کمال مادی و معنوی بچه را تا آن درجه که ممکن است قبل از تولد در مدتی که هنوز در رحم مادر است تأمین کنیم لازم است که زندگی روزانهٔ مادر حامله در تحت پارهٔ شرایط و قواعد عامی و طبی قرار گیرد. این شرایط و قواعد دو قسم است. آنهایی که سلبی و منفی هستند که مادر باید از آنها پرهیزد و آنهایی که مثبت و مفید هستند که مادر باید بقدر امکان آنها را پیروی و اجرا کند.

شرایط سلبی مبنی بر اجتناب از هر گونه حرکات زشت و احساسات ناپاک و فاسد کنندهٔ اخلاق و تصورات و تفکرات منفی و مزعج میباشد؛ مثلاً مادر نباید منظره های زشت و کثیف و مستکبره ببیند و تماشا کند و حرفهای زشت و دشنام و خبرهای وحشتناک و هول انگیز گوش بدهد و یا بشنود. او باید از بوئیدن بوهای متعفن و نفس کشیدن در هوای کثیف و از دست دادن بکارهای مسکرة و نفرت آمیز بکامی پرهیزد. همچنین از تخیل افکار ناپسند و یاد آوردن روزهای تاج و ساعت های تاریک غم انگیز گذشته و حتی از تخطرات گذشته ای خود در مدت حاملگی اجتناب کند. خلاصه از هر چیزیکه باعث تولید غم و غصه و خشم و عذاب وجدانی و حسد و غبطه و عصبانیت و نفرت و امثال اینها میشود باید دوری جوید زیرا که بوسیلهٔ تجزیه و تحلیل کردن آب دهان در موقع استیلای یکی از این حالتها و تأثیرها ثابت کرده اند که این گونه احساسات منفی در بدن انسان پارهٔ زهرها تولید میکنند که خون را مسموم و فاسد میسازد و چون خون مادر بگانهٔ غذای جسمی و روحی بچه در رحم میباشد، ادریکه از این حقایق آنگاه نیست و از این گونه تأثیرات منفی اجتناب نمیکند قهراً بچهٔ خود را جسماً و روحاً مسموم میسازد.

در مقابل این شرایط منفی پیدا کردن شرایط مثبت و فهمیدن تأثیرات آنها چندان سخت نیست زیرا هر چه ضد شرایط و حالات منفی باشد ناچار مثبت و مفید و زندگی بخش خواهد بود. بنابراین لازم است که مادر در مدت حاملگی بقدر امکان شرایط ذیل را رعایت کند.

۱ - غذاهای لطیف و پاکیزه و مخصوصاً سبزیجات و میوه بخورد و از مشروبات الکلی کاملاً پرهیزد.

۲ - خانه و مخصوصاً اطاق خواب خود را تمیز و هوا دار و روشن نگاه دارد و همیشه هوای صاف تنفس کند.

- ۳ - بیشتر با اشخاصی صحبت و رفت و آمد کند که آنها را دوست دارد و ملاقات آنها فرح و شادی میآورد.
- ۴ - بقدر امکان در باغها و مسیردهای خوش منظر و فرح انگیز گردش و در آغوش طبیعت پاک و آزاد استراحت نماید و در خانه نیز وظایف خود را از روی میل و شوق و شادی بعمل بیاورد.
- ۵ - تا میتواند کتابهای روحپرور و اخلاقی بخواند و خبرهای خوش بشنود و حرفهای شیرین و دلکش بزند.
- ۶ - همیشه افکار خوب و شادی بخش در دماغ خود جا بدهد و از گذشته فقط روزها و ساعتهاى خوش و شیرین را بیاد بیندازد.
- ۷ - بقدر امکان نقشه‌ها و عسکها و نقوش دلکش و روحانی را مانند صورتهای ملائک و تمثالهای انبیا و اولیاء و مقدسین و تاپا و های دلربای طبیعت و پردهای تصویر نقاشان معروف و بزرگ را تماشا کند.
- ۸ - در باره همه کس اظهار محبت و ملامت نکند و فقط احسانات و عواطف لطیف و پاک را در دل خود یاد دهد.
- ۹ - اعمال خود را موافق احکام دین و تقوی و عدالت قرار دهد تا آسایش درونی و وجدانی داشته باشد و همیشه در نظر بگیرد که حامل یک ودیعه مقدس الهی است.
- ۱۰ - همه موجودات را بنظر مرحمت و شفقت نگاه کند و جز محبت و خوشبختی و خوشحالی برای خود و دیگران چیز دیگری آرزو نکند و از خاطر گذرانند. وظیفه سایر اعضای خانواده و خدمت و دأ شوهر این است که اسباب و وسایل این زندگی را برای مادر حامله فراهم آورند و او را در مدت حاملگی بقدر روزهای عروسی محترم شمرده با محبت و نوازشهای خود شاد و خندان سازند.
- اگر يك مادر همت داشته باشد میتواند این شرایط مثبت و مفید و سعادت بخش را بجا بیاورد زیرا که اکثر اینها، بحتاج داشتن ثروت بزرگ نیست بلکه بحتاج داشتن معرفت و عزم و همت است.
- در آنصورت مادر میتواند اطمینان کلی داشته باشد که نه تنها خودش همیشه تندرست و خوشحال بلکه بچه نیز خواهد زائید که پیوسته سالم و خندان و قوی و شادکام و کامران خواهد بود.

ازین بیانات میتوان بخوبی فهمید که واقعاً مادر در تهیه مقدرات بچه خود يك قدرت و مسئولیت بسیار بزرگی در عهده خویش دارد، بطوریکه از روی تمثیل میتوان گفت که مادر خالق مقدرات بچه خود میباشد و واقعاً هم چنین است.

مادر بمنزله مجسمه سازی است که بوسیله اشعه روح و نگاه های محبت آمیز و خون دل و احساسات و عواطف و افکار خود بپکر بچه خود را که مخزن و مظهر قدرتهای بیکران خداوندی است در مشیقه خود درست میکند. از طرف دیگر این مبحث مهم ثابت میکند که فرموده حضرت رسول که الـهید سعید فی بطن امه والشقی شقی فی بطن امه دارای حکمت بسیار بزرگی میباشد که معنای حقیقی آن تازه امروز دارد بر علمای شرق و غرب مکشوف میگردد زیرا که حالا می فهمند که معنای این حدیث مبنی بر عقیده جبر نبوده است بلکه پایه بلند قدرت بشر و مخصوصاً مادر را در تکمیل خلقت انسانی و در تعیین سعادت و شقاوت زندگانی با مختصر ترین کلامی و بهترین بیانی ادا و اعلام کرده است.

دانشگاه کولومبیا در شهر نیویورک

بتاریخ سی و یکم ماه اکتوبر ۱۷۵۴ در شهر نیویورک اقداماتی برای تأسیس دبیرستانی بنام دبیرستان شاهی بعمل آمد. منظور اصلی دبیرستان بقسمی که از اساسنامه آن مفهوم میشد در آن موقع تدریس دوره عالی زبان و ادبیات انگلیسی و علوم تجاری و اداری و غیره بوده است.

دانشگاه کولومبیا که امروز یکی از موسسات عالیہ معارفی دنیا محسوب میشود در آغاز پیدایش یعنی در ماه اکتوبر ۱۷۵۴ فقط دارای يك کلاس و هشت نفر شاگرد بود! و در اثر عزم و همت مردانه مؤسسين آن بصورت فعلى درآمد. دبیرستان شاهی در بیست و یکم ماه ژوئن ۱۷۵۸ نخستین جشن فارغ التحصیلی خود را منعقد نمود. در سال ۱۷۸۴ نام دبیرستان شاهی بدبیرستان کولومبیا تبدیل یافت و در سال ۱۸۹۷ دبیرستان به مارت جدیدی انتقال یافت که تا کون هم محل آن تغییری نیافته و فقط ابنیه دبیرستان را توسعه داده اند. در سال ۱۹۱۲ دبیرستان کولومبیا دارای عنوان دانشگاه شد. امنای دانشگاه مادام العمر بموجب نظامات و قوانین مخصوصی برای اداره امور این موسسه مهم انتخاب میشوند و عده آنان بیست و چهار نفر است. ادارات و دوائر مختلفه دانشگاه با هزاران نفر اسناد و شاگرد و مراجعه کنندگان داخل و خارج که البته بیش از يك شهر بزرگ صادر و وارد دارد بدست لیاقت امنای مزبور اداره میگردد. فقط کتابخانه دانشگاه دارای ۱۴۰۵۵۰۰ مجله و کتب عامی و ادبی و غیره میباشد، و عموم محصلین و فارغ التحصیل های دانشگاه و همچنین رجال رسمی مجاناً از کتابخانه استفاده نموده و حق استعاره کتاب هم دارند. سایر اشخاص نیز با شرایط سهل و ساده میتوانند چنین حثی را حاضر شوند. دانشکده حقوق - دانشکده علوم - دانشکده طب (بضمیمه دواسازی و دندانسازی) دانشکده مهندسی - دانشکده علوم سیاسی - دانشکده فلسفه - دانشکده معماری مشاغل - صنایع ظریفه و موسسات علمی دیگری از توابع این دانشگاه است.